

The Letters of



Mansoor Hashemi Khorasani may God protect him

Bismillah Ar-Rahman Ar-Rahim

An excerpt from the letter of his honor about that he will be recognized by his thoughts and teachings, not by his name and address.

بنده‌ی صالح خداوند منصور هاشمی خراسانی، در سرآغاز نامه‌ی خود خطاب به مسلمانان پارسی، پس از ستایش خداوند و درود بر پیامبرش نوشت:

«و اما بعد.. ای گروه خردمندان! ای برادران و خواهران مسلمان! با شما درباره‌ی شما سخن می‌گویم. آیا سخنم را می‌شنوید و دل می‌سپارید یا گوش خود را می‌گیرید و ره می‌سپارید؟! به خدا سوگند اگر دشمنِ انسان برای او نامه‌ای بنویسد، او آن را با دقت می‌خواند تا بداند که دشمن او برایش چه نوشته است، در حالی که من دوست دلسوز و برادر خیرخواه شما هستم و سزاوارترم تا بدانید برای شما چه نوشته‌ام. اگر شما من را نمی‌شناسید من شما را می‌شناسم و اگر شما من را دوست نمی‌دارید من شما را دوست می‌دارم. به سخنم گوش بسپارید و نپرسید که کیستم؛ چراکه کیستی انسان در سخن او آشکار می‌شود و عاقل به سخن می‌نگرد نه به گوینده‌ی آن! چه بسیار سخن راستی که کودکی گوید و چه بسیار سخن دروغی که بزرگان گویند! سخن راست، راست است اگر چه کودکی گوید و سخن دروغ، دروغ است اگر چه بزرگان گویند! از این رو، اگر سخنی را بشناسید، شناختن گوینده‌ی آن به شما زبانی نمی‌رساند، همچنانکه اگر سخنی را نشناسید شناختن گوینده‌ی آن به شما سودی نمی‌رساند! پس به سخنم گوش بسپارید تا من را بشناسید؛ چراکه انسان در زیر زبان خویش پنهان است و کسی شناخته نمی‌شود تا آن‌گاه که به سخن در آید. شما گوش داده نشده‌اید مگر برای شنیدن و چشم داده نشده‌اید مگر برای دیدن و عقل داده نشده‌اید مگر برای تمییز آن‌چه می‌شنوید و می‌بینید که کدامین راست و کدامین ناراست است. پس سخنم را با گوش خود بشنوید و با عقل خود بر رسید تا اگر راست بود بپذیرید و اگر ناراست بود نپذیرید. خداوند به شما توفیق دهد؛ چراکه شیطان می‌خواهد شما نشنوید تا ندانید و ندانید تا بدبخت شوید و آیا بدبختی جز در پی نادانی است؟! من می‌دانم کسانی که پیش از من بوده‌اند، سخن بسیار گفته‌اند و شما را رنجانده‌اند؛ چراکه بسیاری از سخنان آنان دروغ بوده است و چیزهایی گفته‌اند که به آن دانشی نداشته‌اند و گروهی از آنان کسانی هستند که شما را نمی‌خواهند مگر برای خودهایشان و سخن نمی‌گویند مگر برای فریب. شما را به سوی حقی فرا می‌خوانند که خود از آن بیگانه‌اند و برای شما خیری می‌خواهند که خود از آن بی‌بهره‌اند! اینان دین را تکیه‌گاهی برای قدرت



The Letter Number: 1

و آخرت را دست‌آویزی برای دنیا کرده‌اند؛ و گر نه، نه دین را چنانکه باید می‌شناسند و نه آخرت را چنانکه شاید می‌خواهند. اکنون من برای شما سخن می‌گویم، در حالی که نه امید قدرتی و نه طمع دنیایی دارم. یکی هستم از میان شما که مانند شما در زمین ضعیف شمرده می‌شوم و در پی برتری یافتن بر شما یا تباهی انگیختن در زمین نیستم. جز این نمی‌خواهم که امر به معروف و نهی از منکر کنم، تا خداوند هر که را خواهد بشنوند و هر که را خواهد کر نماید و شما چه می‌دانید؟! شاید چیزهایی را دگرگون سازد و از روی چیزهایی پرده برگیرد؛ چراکه او بر هر کاری توانا و به هر چیزی داناست...».

Translation of the letter:

The righteous servant of God, Mansoor Hashemi Khorasani, wrote to the Persian Muslims in the beginning of his letter after praising God and sending salutations to His prophet:

“And as to what follows... Oh you wise people! Oh Muslim brothers and sisters! I am talking to you about you. Will you hearken to my speech and believe it or will you close your ears and continue your way?! I swear to God, if the enemy of a human writes him a letter, he will read it carefully to know what his enemy has written for him, while I am your compassionate friend and well-wishing brother and it is more deserving to know what I have written for you. If you do not recognize me, I do recognize you and if you do not like me, I do like you. Harken to my speech and do not ask who I am; Since the identity of human will be revealed by his speech and the wise will look at the speech and not to the speaker! There are lots of words of truth that a child says and there are lots of words of falsehood that elders say! A word of truth is true, even though a child says it and a word of falsehood is false, even though elders say it! Hence if you recognize the word, not recognizing its speaker will not harm



you, just as if you do not recognize a speech, recognizing its speaker will not benefit you! So hearken to my speech to recognize me; Since human is hidden under his tongue and one is not recognized until he speaks his mind. You have not been given the ears unless to hear and you have not been given the eyes unless to see and you have not been given the intellect unless to distinguish what you hear and see and that what is right and what is wrong. So hearken to my speech by your ears and assess it by your intellect so that if it was right, accept it and if it was wrong, decline it. May God bestow you success; Because Satan wants you to not hear so that you will not know, and to not know so that you will be in misery, and is it not that misery comes after ignorance?! I know those who have been before me, have spoken a lot and have irritated you; Since lots of their speeches were lie and they have said things about which they have had no knowledge, and a group of them want you just for themselves and do not speak unless to deceive. They call you to a truth which they themselves are unfamiliar with, and want you a good which they themselves are not being benefited by! They have relied on religion for gaining power and have made the Hereafter a pretext for this world; Otherwise, they neither know the religion as they should, nor they want the Hereafter as it deserves. Now I speak to you, while I neither have hope for power nor have any greed for this world. I am one among you who is being weakened on earth like you and I am not going after superiority over you or creating any corruption on earth. I do not want anything other than to promote good and prohibit from evil, so that God makes anyone whom He wills listen and makes anyone whom He wills deaf,



The Letter Number: 1

and how do you know?! Perhaps He will alter and reveal some things; Since He is capable of doing anything and have full knowledge about everything...”.

